



گفتمان عاطفی در دعای هفتم صحیفه سجادیه

دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۲ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۱۱

رضا عرب بافرانی^۱، احمد محمدیان^۲

چکیده

عاطفه از عناصر مهم و اثرگذار در متون ادبی است. متون دینی علاوه بر داشتن مفاهیم عمیق فکری و محتوایی و مهم‌ترین آموزه‌های دینی، واجد اثرگذاری عاطفی نیز است؛ خطاب در این متون به گونه‌ای است که بتواند تاثیر مناسبی بر احساسات مخاطب بگذارد. از این رو، متون دینی علاوه بر این که سرشار از مفاهیم ناب توحیدی است، به مقوله انگیزش عاطفه و تأثیر عاطفی توجه ویژه‌ای شده است. دعای هفتم صحیفه سجادیه که امام زین العابدین (ع) در سختی‌ها و مشکلات به خواندن آن سفارش فرموده‌اند، از جمله این متون دینی است که در آن به این مقوله به طور دقیق توجه شده است. این مقاله کوشیده به روش توصیفی تحلیلی عنصر عاطفه را در پرتو این دعای ارزشمند بررسی کند. دعای هفتم صحیفه سجادیه علاوه بر این که سرشار از مفاهیم ناب توحیدی است، در آن به مقوله انگیزش عاطفه و تأثیر عاطفی توجه ویژه‌ای شده است. طرح‌واره فرایند عاطفی در دعای هفتم در پنج مرحله: ۱. تحریک عاطفه ۲. آمادگی ۳. هویت ۴. هیجان ۵. ارزیابی ترسیم یافته است. بی‌شک، دعای مذکور در پرتو گفتمان عاطفی توانسته پیام خود را به بهترین وجه به مخاطب منتقل کند.

کلیدواژه‌ها: عاطفه، گفتمان، دعای هفتم، صحیفه سجادیه.

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات عرب دانشگاه علوم اسلامی رضوی (نویسنده مسئول): arabbafrani135@gmail.com
۲. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق دانشگاه علوم اسلامی رضوی: mohamadian313@gmail.com

۱. مسئله پژوهش

دعا درخواستی از سوی مخلوق است در آستان خالق یکتا. دعا کننده برای رفع نیاز خود چه مادی و چه معنوی، در دنیا و آخرت در برابر خداوند بی همتا خواسته خود را عرضه می دارد. برخی متون دینی اسلامی در بردارنده ادعیه ارزنده و والایی است که بر زبان انسانی کامل و در درگاه معبود هستی بخش جاری شده است. این دعاها الگویی است برای بندگان تا معبود خود را آن گونه که شایسته و بایسته مقام ربوبیش است، فرا بخوانند. بی شک، هدف اصلی و محوری این متون دینی تربیت، هدایت و پرورش روح است. این متون در عین تکیه بر عنصر عقلانیت، از سازوکار زبانی و اسلوب های هنری ادبیات بهره می گیرند تا شور و عاطفه مخاطب را برانگیزند. زیبایی های ادعیه با حقیقت گفتار و بیان مقصود همراه است به گونه ای که دریافت درست مفاهیم و آموزه های دعا گاه مرهون توجه به زیبایی سخن است. پس می توان گفت درک و فهم درست دعا به زیباشناسی آن وابسته است.

۱-۱. پیشینه پژوهش

در حیطه گفتمان، پژوهش های گوناگونی صورت گرفته است؛ از جمله محمودی و خادام (۱۳۹۶) در مقاله «کار بست گفتمان عاطفی در متون تعلیمی با تکیه بر باب پنجم گلستان سعدی»، رضایی (۱۴۰۰) در مقاله «واکاوی مولفه های بعد عاطفی گفتمان در داستان کوتاه «میعاد» اثر گلی ترقی: رویکردی نشانه معناشناختی به تحلیل گفتمان ادبی»، نورسیده و پوربایرام (۱۴۰۰) در مقاله «تحلیل نشانه معناشناسانه طرح واره عاطفی در گفتمان دوشعر: «در امواج سند» و «أبد الصُّبَّار»»، محمدی (۱۳۹۴) در مقاله «بررسی نظام عاطفی گفتمان در شعر قاصدک اخوان ثالث با رویکرد نشانه معناشناسی» و روشنفکر و دانش محمدی (۱۳۸۸) در مقاله «تحلیل گفتمان ادبی خطبه های حضرت زینب (علیها السلام)». وجه تمایز این نوشتار با پژوهش های پیشین در آن است که این پژوهش به بررسی و تحلیل گفتمان عاطفی دعای هفتم صحیفه بر اساس یک طرح واره عاطفی پرداخته و به بررسی دعا به عنوان یک متن ادبی و از دریچه گفتمان عاطفی نگریسته است.

۲-۱. پرسش‌های پژوهش

این پژوهش، پس از بیان کلیات بحث، با تکیه بر دعای هفتم صحیفه سجادیه، به دنبال پاسخ به پرسش‌های زیر است:

- بررسی گفتمان عاطفی دعا چه لایه‌های جدید مفهومی را آشکار می‌سازد؟

- طرح‌واره گفتمان عاطفی در دعای هفتم صحیفه سجادیه چگونه ترسیم یافته است؟

۲. بحث و بررسی

۲-۱. دعا در اصطلاح

دعا در اصطلاح به معنی خواستن حاجت از خدای متعال است. خواستن و طلب از خداوند منان نکته اساسی این تعریف است. در فرهنگ «نفائس الفنون» آمده است: «دعا طلب کردن حاجت است از باری تعالی به تضرع و اخلاص و گاه بود که غرض از دعا مجرد مدح و ثنا بود و بیشتر ادعیه خواص و اولیا که از ما سوی الله اعراض نموده‌اند از این قبیل تواند بود. و جمعی گفتند: دعا آن است که مروی باشد از شارع به تصریح یا به تعریض، و هر آنچه مروی نباشد آن را مناجات خوانند. و دعا هم به قول باشد و آن صریح بود چنانکه: رَبِّ ارْحَمْ وَأَعْطِ، و یا به تعریض چنانکه: رَبِّ إِنِّي ضَعِيفٌ، و هم به فعل» (ثروتیان، ۱۳۵۲: ۱۲۸). در این تعریف، درخواست همراه با خشوع و مروی از اهل بیت (علیهم‌السلام) است. اما آنچه از تأکید بر دعا در روایات مطرح شده، نفس سخن گفتن و توجه به خداوند منان هدف است.

در تبیین معنای دعا در تفسیر شریف «المیزان» آمده است: «فإن حقيقة الدعاء والسؤال، هو الذي يحمله القلب ويدعو به لسان الفطرة، دون ما يأتي به اللسان الذي يدور كيفما أدير» (طباطبایی، ج ۲: ۳۳). دعا آن است که از قلب برخیزد و زبان فطرت آن را طلب کند، نه این که زبان هر طور خواست حرکت کند. یعنی این معنا از دعا را انسان در باطن جان خود می‌شناسد و به‌طور روشن آن را می‌فهمد.

۲-۱-۱. کارکرد دعا

در قرآن و روایات بر اهمیت دعا تأکید و به آداب و شروط استجابت آن اشاره شده است. از مهم‌ترین آیات قرآن کریم در بیان ارزش دعا نزد خداوند و فضیلت انقطاع از خلق، آیه «وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ» (غافر، ۶۰) است. خداوند تعالی در این آیه مبارکه مردم را به دعا کردن امر می‌کند و به ایشان نوید اجابت می‌دهد. دعا در این سخن خداوند، عبادت برشمرده شده است و «این‌که به جای «عن دعائی» لفظ «عَنْ عِبَادَتِي» آمده، حاکی است که دعا عبادت است» (قرشی، ۱۳۶۶، ج ۹: ۳۷۸). در آیه «قُلْ مَا يَعْبَأُ بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ» (فرقان، ۷۸) جایگاه و منزلت و ارزش انسان نزد باری تعالی، دعای فرد است. همین معنا در روایت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اشاره شده است: «الدُّعَاءُ هُوَ الْعِبَادَةُ» (طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۸: ۵۲۸) و ترک کننده عبادت خدا (دعا) از سر بزرگی طلبی و استکبار را از دوزخ بیم می‌دهد. در ذیل همین آیه روایتی از امام صادق علیه السلام آمده شده: «یکی از یارانش سؤال کرد: چه می‌فرمایید درباره دو نفر که هر دو وارد مسجد شدند. یکی نماز بیشتری به جا آورد و دیگری دعای بیشتری. کدام‌یک از این دو افضل‌اند؟ فرمود: هر دو خوب‌اند. سؤال‌کننده مجدد عرض کرد: می‌دانم هر دو خوب‌اند، ولی کدام‌یک افضل است؟ امام علیه السلام فرمود: «آن کس که بیشتر دعا می‌کند افضل است، مگر سخن خداوند متعال را نشنیده‌ای که می‌فرماید: «ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ»، سپس افزود: هی العبادۃ الکبری: «دعا عبادت بزرگ است» (طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۸: ۵۲۸؛ حویزی، ۱۳۸۹، ج ۴: ۵۲۸).

از شواهد دیگر اهمیت دعا، نقل دعاها و متعده از انبیای پیشین و گروه‌های مختلف انسان‌ها و همچنین تعلیم دعا به نبی اکرم صلی الله علیه و آله در آیات مختلف است.

در روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله از دعا به عنوان سلاح مؤمن در برابر دشمنان و نیز وسیله‌ای که سبب فروزی روزی او می‌شود، تعبیر شده است (حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۷: ۳۹). و در روایتی آمده که از امام محمد باقر علیه السلام سؤال شد: «کدام عبادت افضل است؟ فرمود: چیزی نزد خدا افضل از این نیست که از او تقاضا کنند و از آنچه نزد او است بخواهند

و هیچ کس مبعوض تر و منفورتر نزد خداوند از کسانی که از عبادت او تکبر می‌ورزند و از مواهب او تقاضا نمی‌کنند، نیست» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۴۶۶).

مهم‌ترین اثر دعا و نیایش، آشنایی با معارف اسلامی است، ائمه معصومین (علیهم‌السلام) در ضمن دعا و نیایش مجموعه‌ای گسترده از این معارف ناب توحیدی را به ما آموزش داده‌اند.

انسان در زندگی فردی و اجتماعی خویش با مشکلاتی مواجه می‌شود که به اضطراب و نگرانی می‌افتد و در برخی موارد، نجات و رهایی از آن، خارج از توان انسان است؛ به عبارتی، وارد آمدن فشارهای فراتر از توان فرد، باعث اضطرابی می‌شود که تحمل آن در دراز مدت از توان انسان خارج است؛ بهترین راه برای نجات از اضطراب و نگرانی، دعا و نیایش با خدای سبحان است. دعا وسیله قرب و نزدیکی بنده با پروردگار، عبد با معبود و مخلوق با آفریدگار است. امام صادق (علیه‌السلام) در این باب می‌فرماید: «بر شما باد دعا کردن، زیرا هیچ چیزی مثل دعا شما را به خداوند متعال نزدیک نمی‌کند» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۴۶۷؛ حر عاملی، ۱۴۱۴ ق، ج ۷: ۳۰). و این احساس قرب و نزدیکی با معبود هستی و استمرار و مداومت در دعا و نیایش چه روحی و قلبی باشد و چه به فعل و عمل در آید، اسباب ماندگاری آرامش روح و روان آدمی را به با خود همراه خواهد داشت.

انسان‌های مؤمن با دعا و نیایش می‌توانند باب نعمت‌های الهی را به روی خود بگشایند و با استفاده از آن، موفقیت‌های فراوانی را به دست آورند. پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) دعا را سبب گشایش نعمات الهی بر بندگان معرفی می‌کند (سید ابن طاووس: ۲۸؛ کفعمی، ۱۴۰۳ ق: ۷۶۹).

از دیگر آثار دعا و نیایش، به دست آوردن ارزش و کسب منزلت، نزد ایزد متان خواهد بود. اعمال عبادی هر کدام به نوبه خود، رابطه انسان با پروردگار جهان را برقرار می‌کند، عبد را به خدای سبحان، نزدیک‌تر می‌نماید و باعث محبوبیت انسان، نزد خداوند می‌شود. دعا و نیایش به عنوان برترین عمل عبادی، سبب می‌شود خداوند انسان دعا کننده را دوست داشته باشد. امیرمؤمنان (علیه‌السلام) در این باب می‌فرماید: «محبوب‌ترین عمل نزد خداوند دعا و نیایش است» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۴۶۷) و به تأکید، محبوب‌بودن عملی نزد

خدواند، باعث محبوبیت عامل آن نیز خواهد شد.

این که انسان همواره در دعا تمام نگاه خویش را فقط به معبود متوجه می سازد و از غیر او چشم می پوشد، در واقع، نوعی یگانه پرستی و دوری از شرک را تمرین می کند و وحدانیت و یکتا پرستی را که شرط اول مسلمانی است، به منصه ظهور می رساند.

دعا انسان را به شناخت پروردگار دعوت می کند و سبب می شود که خود را نیازمند او ببیند و در برابر او خاضعانه از مرکب غرور و کبر فرود آید و برای خود در برابر ذات پاک او موجودیتی قائل نشود. از این منظر چون خود را نیازمند و مرهون نعمت های خدا می بیند، موظف به اطاعت از فرمانش می شمرد. از سوی دیگر می داند استجاب دعا بی قید و شرط نیست، بلکه خلوص نیت و صفای دل و توبه از گناه و بر آوردن حاجات نیازمندان و دوستان از شرایط آن است؛ بنابراین خودسازی می کند و در طریق تربیت خویشتن گام بر می دارد. امیرمؤمنان علی (علیه السلام) می فرماید: «بهترین دعا آن است که از سینه پاک و قلبی طاهر صادر شود و دعای خالصانه سبب خلاصی و رهایی است» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۲: ۱۱). دعا به انسان اعتماد به نفس می دهد و از یأس و نومیدی باز می دارد و به تلاش و کوشش بیشتر دعوت می کند.

۲-۱-۲. صحیفه سجادیه

صحیفه سجادیه کتابی حاوی ۵۴ دعا از امام سجاد (علیه السلام) است. این کتاب پس از قرآن و نهج البلاغه مهم ترین میراث مکتوب شیعه به حساب می آید و به نام های اخت القرآن، انجیل اهل بیت و زبور آل محمد نیز مشهور است (مدنی، ۱۴۱۵، ج ۱: ۵۱ و ۱۰۰). صحیفه مانند قرآن و نهج البلاغه از نظر فصاحت و بلاغت مورد توجه قرار گرفته است تا جایی که برخی از بزرگان ادب و سخنوری از درک مفاهیم بلند و زیبایی هنری و ادبی این کتاب اظهار عجز کرده اند (همان: ۵۱) و برخی این کتاب را در زمره کتب آسمانی می دانند؛ زیرا در عین حال که از کمال فصاحت در الفاظ و حسن بلاغت در عبارات بهره مند است، در بردارنده علوم ناب دینی و معارف یقینی توحیدی است (شبر، ۱۹۸۸، م، ج ۱: ۲۶۸).

امام سجاد (علیه السلام) بسیاری از معارف دینی را در دعا‌های خود بیان می‌کند؛ موضوعاتی مثل خداشناسی، جهان‌شناسی، انسان‌شناسی و مباحث عالم غیب، فرشتگان، رسالت انبیا، جایگاه پیامبر (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت (علیهم السلام)، امامت، فضایل و رذایل اخلاقی، گرامی داشت اعیاد، مسائل اجتماعی و اقتصادی، اشارات تاریخی، نعمت‌های مختلف خداوند، آداب دعا، تلاوت، ذکر، نماز و عبادت. بر این اثر شرح‌های بسیاری نوشته شده که مشهورترین آن‌ها ریاض السالکین نوشته سید علیخان مدنی است.

صحیفه سجادیه از نظر سندی، در حد تواتر است. آقا بزرگ تهرانی در این باره می‌گوید: «صحیفه اولی که سند آن به امام زین العابدین (علیه السلام) می‌رسد... از متواترات و [قطعیات] نزد اصحاب است؛ چراکه از ویژگی آن، این است که تمام اصحاب از اساتید خود اجازه نقل آن را در تمام طبقات رجالی و در تمام عصرها گرفته‌اند» (آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ج ۱۵: ۱۸).

امام زین العابدین (علیه السلام) در دعاها نخست حمد و ستایش خدا را به جا می‌آورد، سپس بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) و خاندان او درود می‌فرستد؛ به گونه‌ای که در این صحیفه کمتر دعایی است که در آن، از تعبیر صلوات استفاده نشده باشد. بعد از آن به بیان نقص‌ها و ضعف‌های خود می‌پردازد و در نهایت حاجت خود را از خدا درخواست می‌کند.

معروف‌ترین دعای صحیفه دعای مکارم الاخلاق است. البته در مقطع کنونی، شاید مشهورترین دعا با توجه به توصیه حضرت آیت الله خامنه‌ای به خواندن آن در هنگام بلاها، دعای هفتم صحیفه سجادیه است آن گونه که می‌توان گفت اکثر مؤمنین یک‌بار این دعا را قرائت می‌کنند و برخی بر قرائت آن مداومت دارند.

از ویژگی‌های کلیدی صحیفه امام سجاد (علیه السلام) و اکثر ادعیه واصله توسط معصومان این است که تنها شامل راز و نیاز با معبود و طلب حاجت از درگاه وی نیست. صحیفه سجادیه مجموعه‌ای مشتمل بر بسیاری از معارف اصیل و ناب اسلامی است که در آن مسائل عقیدتی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و پاره‌ای از قوانین طبیعی و احکام شرعی در قالب دعا بیان شده است.

محتوا و نکات مطرح شده در صحیفه سجادیه با معارف موجود در بسیاری از روایات متفاوت است؛ زیرا ادعیه در حالت رابطه انسان با معبود (که بهترین حالات انسان است) و از لسان حجت خدا و با همان الفاظ ایشان است؛ بنابراین، معارفی را که ائمه (علیهم السلام) در این حالت (حالت خضوع و خشوع و رابطه عرفانی با خدا) بیان فرموده اند، قطعاً تفاوت بسیاری با معارفی دارد که در حالت رابطه با مردم بیان فرموده اند. علت و منشأ تفاوت این است که هر چند ائمه در همه حالات حضور عندالله دارند و همه حالات آنها الهی و تمام سخنان ایشان نور و دارای معارف عالی است؛ اما به طور طبیعی سخنان آن حضرات در قالب دعا که در حالت گفت و گوی خود با خدا هستند، بسی متفاوت تر است از سخنان و معارفی که در قالب روایت و در گفت و گوی با مردم داشته اند؛ زیرا ائمه (علیهم السلام) معارف را به اندازه فهم و درک مردمان بیان می فرمودند؛ «إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أُمَرَّا أَنْ نُكَلِّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ» (ابن بابویه، ۱۴۱۷ ق: ۴۱۹؛ ابن شعبه حرّانی، ۱۴۰۴ ق: ۳۷) و هر معرفتی را به هر کسی منتقل نمی کردند. چه بسا بسیاری از سخنان را مردم و حتی اصحاب خاص درک نکنند یا امکان آن وجود نداشته باشد بسیاری از سخنان و معارف را بیان کرد؛ اما همان ها را می توان در گفت و گو با خدا بر زبان راند (نقش معرفت افزایی صحیفه سجادیه، ۱۴۰۱).

امام خمینی (رحمه الله) می فرماید: «صحیفه کامله سجادیه، نمونه کامل قرآن صاعد است... کتاب شریفی است که سبک بیان معارف الهیه اصحاب معرفت را چون سبک قرآن کریم بدون تکلف الفاظ در شیوه دعا و مناجات برای تشنگان معارف الهیه بیان می کند. این کتاب مقدس چون قرآن کریم سفره الهی است که در آن، همه گونه نعمت موجود است و هر کس به مقدار اشتیهای معنوی خود از آن استفاده می کند. این کتاب همچون قرآن الهی ادقّ معارف غیبی که از تجلیات الهی در ملک و ملکوت و جبروت و لاهوت و مافوق آن حاصل می شود در ذهن من و تو نیاید و دست طلبکاران از حقایق آن کوتاه است، به شیوه خاص خود قطراتی که از دریای بیکران عرفان خود می چشاند و آنان را محو و نابود می کند» (خمینی، ۱۳۶۱، ج ۲۱: ۲۰۹).

۲-۱-۳. دعای هفتم صحیفه سجادیه

دعای هفتم صحیفه سجادیه به آسان شدن دشواری‌ها به دست خدا و فراهم آمدن اسباب حیات به واسطه رحمت الهی اشاره دارد. این دعا در ۱۰ فراز از امام سجاد (علیه السلام) نقل شده است. از آموزه‌های این دعا این است که همه چیز فقط به خواست خداوند جریان دارد و اگر خداوند کسی را ذلیل کند، هیچ یآوری نمی‌یابد.

۲-۱-۴. ادبیات دعا

در بحث بررسی چیستی ادبیات دعا باید به این نکته توجه کرد که «دعا نوع کنش یا رفتار درونی در محضر خداوند متعال است و از این حیث که یک تجربه روحی و درونی است از دیگر انواع هنرهای بیانی متفاوت است؛ زیرا دعا بیانگر یک حس و شعور ذاتی در فرد است که بدون واسطه با خداوند متعال مرتبط می‌شود. نکته‌ای که در این تجربه روانی وجود دارد این است که متن تابع جهت‌گیری و میل‌گوینده نیست، بلکه در مسیر شریعت قدم می‌نهد و پیش می‌رود. به دیگر سخن، این شریعت اسلامی است که وظیفه شکل‌گیری یک تجربه روحی و روانی جدید را بر عهده می‌گیرد و آن را در قالب کلمات به فرد منتقل می‌کند» (بستانی، ۱۴۰۹ق: ۱۷۰). از این منظر در واقع، کلمات و عبارت عهده‌دار ایجاد یک تجربه عاطفی و ذاتی برای فرد هستند.

هر متنی از حیث شکل ساختاری مستقل دارد. منظور از شکل ادبی همانند ساختمان است. به‌طور مثال بنای مسکونی مسجد با مجتمع تجاری متفاوت است؛ زیرا هر کدام از این ساختمان‌ها برای هدفی خاص تعبیه شده‌اند. در بحث متون و نصوص هم این مطلب صادق است، شکل سوره قرآن، خطبه، قصه، خاطره، قصیده، شعر و نمایشنامه با هم تفاوت دارد. همان‌گونه که شکل خارجی ساختمان متفاوت است، ساختار درونی آن نیز تفاوت خواهد داشت و این امر در بحث نصوص هم صادق است (بستانی، ۱۴۱۴ق: ۲۸۳).

دعا نیز از حیث ساختمان داخلی و خارجی برای خود بنای خاص و منحصر به فرد دارد:

«دعا از حیث مظهر خارجی و بیرونی بر اساس محاوره فردی بنا شده است و آن محاوره توجه کلامی به خداوند است و گاهی هم این دعا در سکوت و بدون صوت است» (همان: ۲۸۸). پس دعا از حیث خارجی گفت‌وگوی میان مخلوق با خالق خویش است. با توجه به این که خالق از رگ گردن به انسان نزدیک‌تر است، گاهی این محاوره بدون کلام و در سکوت کامل برقرار می‌گردد.

در تعریف بنای داخلی دعا هم آمده است که «(دعا) از نظر نما و جلوه درونی بر پایه عنصر عاطفه استوار می‌گردد که فرد دعا کننده به مدد آن به اوج احساس فردی می‌رسد» (همان:). بنابراین، در دعا عاطفه نقش اساسی و محوری دارد که باید به آن توجه ویژه کرد.

۲-۲. گفتمان عاطفی

عواطف مانند عطری هستند که در سرتاسر متن منتشر می‌شوند و فضای آن را با بوی تند یا ملایم خود تحت تاثیر قرار می‌دهند.

در تعریف عاطفه گفته‌اند: «استعداد روانی است که از تمرکز یافتن گروهی از انفعالات پیرامون موضوع مشخصی در نتیجه تکرار برخورد و ارتباط با این موضوع پدید می‌آید» (عثمان، ۱۳۶۹: ۱۶۱). پس «عاطفه یک نیروی وجدانی است و آثاری نیز در جسم انسان دارد که در وی به هنگام خشم و شادی و اندوه آشکار می‌شود» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۶: ۴۸). زندگی و شخصیت هر کسی رنگی از احساس و عواطف او دارد.

عاطفه به احساسات و حالت روانی شاعر مربوط می‌شود و از عناصر معنوی شعر است. «عاطفه یا احساس، زمینه درونی و معنوی شعر است، به اعتبار کیفیت برخورد شاعر با جهان خارج و حوادث پیرامونش» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۳: ۸۷).

شفیعی کدکنی عاطفه را رکن معنوی شعر و مهم‌ترین رکن یک اثر می‌داند (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۶: ۴۷). این اهمیت عاطفه ناشی از شدت تاثیرگذاری است، «عاطفه مهم‌ترین و قوی‌ترین عنصر تاثیرگذار نسبت به سایر عناصر است» (الشایب، ۱۹۹۴م:

۳۴). یکی دیگر از دلایل اهمیت عاطفه تنوع و کثرت حس‌های مختلف است: «نمودهای احساس و عاطفه بسیار زیاد و غیرقابل احصا هستند. برخی از آن‌ها عبارت است از: مهر، کین، نفرت، شادی، غم، ترس، بی‌باکی، امید، یأس و خشم» (شکیباپور، ۱۳۶۳: ۳۰۷). تاثیر هر یک از این حالت بر خالق اثر ادبی، سبب انتقال مفاهیم و حس‌های متفاوتی می‌شود.

سید قطب تجربه عاطفی را عنصری می‌داند که به بیان درآید (سید قطب، ۱۴۲۴ق: ۱۱). از نظر او در تجربه عاطفی سه ویژگی به چشم می‌آید: ۱. خصوصی بودن عاطفه: یعنی هر کس برای خود یک عاطفه خاص داشته باشد که تقلیدی از دیگران نباشد. ۲. میزان عمق و گستره عاطفه در ارتباط با عالم حیات: هرچه این پیوند عمیق‌تر و تأثیر فرد بیشتر باشد، ارزش عاطفه بیشتر خواهد بود. ۳. صدق عاطفه: صدق در این‌جا منظور صداقت علم اخلاق نیست بلکه منظور واقعی بودن است و این‌که مثل عاطفه مدایح و مرائی درباری و فرمایشی نباشد (همان: ۲۰-۳۹).

عیار صدق عاطفه در اثر هنری با میزان تأثیرپذیری ادیب از محرک‌های بیرونی رابطه مستقیم دارد. در چنین شرایطی، عاطفه یک نیروی محرک است که از لاک حسی و باطنی، بیرون می‌آید و در رفتار، کردار و گفتار فرد نمایان می‌شود. ارزش و قوت و صدق عاطفه از همین امر دریافت می‌شود.

بعد عاطفی نظام گفتمان از مباحث جدید زبان‌شناسی و زیباشناسی است که توجه به آن نکات مهمی را در معناشناسی در پی دارد. هر متنی دارای یک محور و مبنای مشخص است که بررسی آن نکات دقیق محتوا و معنایی را برای ما روشن می‌سازد. «گفتمان را فعالیت زبانی می‌دانیم که توسط کسی که سخن می‌گوید و در همان لحظه‌ای که سخن می‌گوید، انجام می‌گیرد؛ بنابراین، گفتمان فرایندی است با ویژگی تاریخی رخدادی و هیچ‌گاه نمی‌تواند دوبار به یک شکل تولید شود» (جعفری، ۱۳۸۹: ۶۶). عاطفه در سراسر گفتمان مشهود است و برای اثرگذاری بر دیگران باید به جریان شکل‌گیری گفتمان توجه ویژه کرد؛ چنان‌که فوکو از معروف‌ترین نظریه‌پردازان گفتمان در این باب معتقد است:

«تنها از طریق ایجاد حقیقت می‌توان تاثیر گذاشت و قدرت را به دست گرفت و حقیقت فقط از راه زبان و گفتمان تشکیل می‌گردد» (صلح‌جو، ۱۳۷۷: ۸۸). دلیل این که مدت‌های مدیدی از زبان‌شناسان به مطالعه نظام عاطفی گفتمان پرداخته‌اند این است که ابزاری مناسب و کافی برای تجزیه و تحلیل فرایند پیچیده عاطفی در اختیار نداشته‌اند.

باید دانست که نصّ متون ادبی صرف نظر از اولویت‌دادن به شکل، دارای ویژگی‌های دیگری است که به آن متن اثر هویتی خاص و منحصر به فرد می‌بخشد. «مطالعه جریان عاطفی گفتمان به هیچ وجه به معنای مطالعه خصوصیات عاطفی و روانی شخصیت‌های یک گفته نیست؛ بلکه به معنی بررسی شرایط شکل‌گیری و تولید نظام عاطفی و چگونگی ایجاد معنا از آن طریق است. دیگر نمی‌توان در هنگام تولیدات زبانی، وجود چند واژه عاطفی را برای بحث پیرامون نظام عاطفی گفتمان کافی دانست. بلکه باید از راهبردهای عاطفی سخن به میان آورد» (شعیری، ۱۳۸۵: ۱۳۷) بی‌تردید لایه‌های اولیه متن پنجره‌ای به لایه‌های درونی‌تر متن است، اما برای به دست آوردن این معانی دقیق‌تر باید سیر خاصی مطرح کرد.

تحت تاثیر قرار دادن مخاطب هدفی است که هر گفتمان آن را دنبال می‌کند. بنا بر آنچه از مطالعه سیر گفتمان به دست می‌آید، بنیان‌گذاران نظم نشانه معناساختی معتقد به «وجود فضایی تنشی هستند که بر اساس آن شرایط عاطفی گفتمان تنظیم می‌گردد. در چنین فضایی، به محض احساس کمترین اختلاف پتانسیل که سبب از هم پاشیدگی توازن و تعادل و تقارن بشود، تغییراتی جهت‌مند و قابل پیش‌بینی به وجود می‌آید. همین تغییرات قوا سبب بروز دو نوع نیروی متفاوت می‌گردد که می‌توان آن را مبدأ و مقصد نامید» (همان: ۱۴۰).

از بررسی رابطه کلمات و صحنه‌پردازی‌ها می‌توانیم به طرح‌واره فرایند عاطفی دست یابیم. این طرح‌واره در ۵ بخش ظاهر می‌شود و به اوج می‌رسد.

مرحله تحریک عاطفه: اولین قسمت از طرح‌واره فرایند عاطفی گفتمان بحث از انگیزش عاطفه است «در آن شوش‌گر عاطفی دچار حسی خاص می‌شود و حضوری عاطفی از

نظر گستره‌ای و فشاره‌ای در او شکل می‌گیرد»، می‌توان گفت در این جا حالت فرد تحت تأثیر، دچار تغییر می‌شود و حرکت او دچار کندی یا شتاب، توقف یا ناآرامی می‌شود.

مرحله آمادگی: «این مرحله، مرحله‌ای است که طی آن شوش‌گر عاطفی با هویت فعلی مؤثر ظاهر می‌گردد. چنین هویتی می‌تواند سبب کشف مشخصه عاطفی خاصی بر او گردد ... و شوش‌گر آمادگی لازم برای کسب هویت عاطفی را پیدا می‌کند.»

مرحله هویت: «این مرحله ... نقش جایگاه مرکزی را در مجموعه مراحل عاطفی به عهده دارد. در همین مرحله است که تغییر رخ می‌دهد و شوش‌گر هویت عاطفی خاصی را از خود بروز می‌دهد؛ یعنی این که تمام تخیلات، تصورات، پندارها و بالاخره تردیدهای شوش‌گر پاسخی قطعی یافته و نتیجه آن تحقق عاطفی مشخصی است.»

مرحله هیجان: «نتیجه تغییر وضعیت و هویت عاطفی بروز هیجاناتی است که نشانه‌هایی فیزیکی دارد و می‌توان آن را با بیان جسمی یا فعالیت جسمانه‌ای یکی دانست. فعالیت‌های جسمانه‌ای عبارت‌اند از لرزیدن، تکان خوردن، از جا پریدن، بی‌قراری، انقباض یا انبساط بدنی یا ماهیچه‌ای، تغییر رنگ پوست، مورمور شدن، دچار چندی شدن، ضعف جسمی، قدرت جسمی ... این رفتارهای جسمی عکس‌العملی قابل مشاهده است که شوش‌گر پس از کسب هویت عاطفی از خود بروز می‌دهد.»

مرحله ارزیابی: «این مرحله که از آخرین مراحل فرایند عاطفی به شمار می‌رود، نوعی ارزیابی یا قضاوت است که می‌تواند در مورد هر یک از مراحل این فرایند صورت گیرد. به‌عنوان مثال، دست و دل‌بازی در مرحله اصلی یعنی شورش عاطفی که از نقطه نظر دیگران بسیار مثبت ارزیابی می‌گردد. اضطراب یا ناآرامی در مرحله هیجان عاطفی، در صورتی که سبب عدم کنترل و بروز رفتارهایی مثل پرخاشگری یا تعرض فیزیکی شود، مورد ارزیابی منفی قرار گرفته و به‌عنوان رفتاری ناشایست یا خام محسوب می‌شود سرکشی نیز در مرحله آمادگی عاطفی به عنوان خواسته‌های غیرمنطقی منفی ارزیابی می‌شود. در حالی که جوانمردی و معرفت در مرحله تحقق امری است عاطفی که نگرشی بسیار مثبت درباره آن وجود دارد» (همان: ۱۷۳-۱۷۶).

مطالعهٔ زبان‌شناسی گفتمان به ما کمک می‌کند رابطهٔ تعاملی بین عناصر شکل‌گیری گفتمان عاطفی و تاثیر آن بر متن را بهتر دریابیم.

۲-۳. تطبیق عملی در دعای هفتم صحیفهٔ سجادیه

در متون دینی و از جملهٔ آن‌ها صحیفهٔ سجادیه، با این که مفاهیم عمیق فکری و محتوایی مطرح می‌شود و مهم‌ترین آموزه‌های دینی را در بر می‌گیرد، به تاثیر عاطفی بر مخاطب و احساسات فرد هم توجه شده است؛ بنابراین، این متون علاوه بر این که سرشار از مفاهیم ناب توحیدی است، به مقولهٔ تحریک عاطفه و اثرگذاری عاطفی توجه ویژه‌ای داشته است.

به‌طور مثال، در این آیهٔ قرآن: دعای مستضعفان در محضر ربوبیت برای قرار دادن سرپرست و یاور از سوی او به این نحو بیان شده است: «وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا» (نساء، ۷۵) چرا در راه خدا و در راه مردان و زنان و کودکانی که (به دست ستمگران) تضعیف شده‌اند، پیکار نمی‌کنید؟ همان افراد (ستم‌دیده‌ای) که می‌گویند خدایا ما را از این شهر (مکه) که اهلش ستمگرند، بیرون ببر و برای ما از طرف خود سرپرست قرار بده و از برای ما از طرف خود یار و یآوری تعیین فرما.

این آیه بر اساس تحریک عواطف انسانی به سوی جهانی فرا می‌خواند: چرا شما در راه خدا و در راه مردان و زنان و کودکان مظلوم و بی‌دفاعی که در چنگال ستمگران گرفتار شده‌اند، مبارزه نمی‌کنید؟! آیا عواطف انسانی شما اجازه می‌دهد که خاموش باشید و این صحنه‌های رقت‌بار را تماشا کنید؟!

سپس برای شعله‌ور ساختن عواطف انسانی مؤمنان می‌گوید: این مستضعفان همان‌هایی هستند که در محیط‌های خفقان گرفتار شده‌اند و امید آن‌ها از همه‌جا بریده است، لذا دست به دعا برداشته و از خدای خود می‌خواهند که از آن محیط ظلم و ستم

بیرون روند و نیز از خدای خود تقاضا می کنند که ولی و سرپرستی برای حمایت آن ها بفرستد و یار و یابری برای نجات آن ها برانگیزد. در این آیه به طور واضح از عنصر تحریک عواطف و روحیات افراد و تشجیع آن ها برای مقاتله بهره برده است.

در دعای هفتم صحیفه سجادیه که امام زین العابدین (علیه السلام) در سختی ها و مشکلات به خواندن آن سفارش کرده اند، به این مقوله اثرگذاری عاطفی به طور دقیق توجه شده است. انسان پاک ترین و ناب ترین حالات روحی را هنگام مناجات و دعا با معبود پیدا می کند به این دلیل که یقین دارد چیزی از محضر خداوند متعال مخفی نیست و او همه افکار کوچک و بزرگش و زشت و زیبایش را به خوبی می داند. این بدین علت نیز است که آدمی خودش را در مقابل فهیم ترین و مهربان ترین موجودات احساس می کند.

مرحله تحریک عاطفه

«يَا مَنْ تَحُلُّ بِهِ عَقْدُ الْمَكَارِهِ، وَيَا مَنْ يُفْثَأُ بِهِ حَدُّ الشَّدَائِدِ، وَيَا مَنْ يَلْتَمَسُ مِنْهُ الْمَخْرَجُ إِلَى رَوْحِ الْفَرَجِ».

در این عبارات فرد ابتدا خداوند متعال را به طور غایب خطاب می کند که این نوع خطاب برای ورود و قرار گرفتن در محضر خداوند متعال است. در این عبارات به نوعی براعت استهلال را مشاهده می کنیم؛ یعنی توجه به صفاتی از خداوند متعال که مرتبط با رفتاری ها و مصائب انسان است. دو جنبه مورد تأکید دعا در این عبارات کاملاً مشهود است؛ عظمت خداوند متعال و قدرت لایزال او در مقابل ضعف مطلق و فقر ذاتی انسان.

مرحله تحریک عاطفه با تکیه بر دو عنصر تشکیل می شود:

اول: توجه به اسما و صفتی از خداوند که فرد به آن ها امید دارد مانند: گره گشای آنچه بستند، برطرف کننده شداید و...

قسمت دوم: مربوط به انسان و نشانگر اوج شدت است و کلمات هم به طور کامل عمق این شدت را می رساند «عقد المکاره»، «حد الشدائد» در واقع، با این کلمات نوعی

آرامش را هم منتقل می‌کند. هر متن و اثری در ابتدا یک پدیده و حسی را به ما منتقل می‌کند که آن حس آغازین تا پایان متن اثرگذار است. در این دعا هم در ابتدا عظمت خداوند متعال مطرح می‌شود و گوینده (امام معصوم) در عبارات آغازین خود در پی ایجاد وابستگی و دلبستگی میان خالق و مخلوق است.

معنای کلمات به گونه‌ای است که اوج اضطراب را می‌رساند؛ فرد شرایط سخت‌تری را هم متصور می‌شود و نفس این نکته روح امید را در فرد داعی بیدار می‌کند. «روح الفرَج» در این عبارت، گوینده هم اوج شدت خود را متصور می‌شود و از دیگر سو، امید را در خود زنده و یاس و نومیدی را زایل می‌کند.

زندگی در عصر ارتباطات رایانه‌ای و کمبود تعاملات و عواطف، انسان را در برابر فشارهای روحی و روانی آسیب پذیر می‌کند، اما وصل شدن به یک قدرت نامتناهی می‌تواند امید و باور را در افراد تقویت کند و در بهبودی و سلامت آن‌ها موثر باشد. ابتدای دعا برای فردی که پیچیدگی‌های زندگی و فراز و فرود آن او را مبهوت کرده با پایان یأس و نومیدی شروع می‌شود.

در مرحله تحریک عاطفه یأس و نومیدی و رخوت از فرد دور می‌گردد.

مرحله آمادگی

«ذَلَّتْ لِقُدْرَتِكَ الصَّعَابُ، وَتَسَبَّبَتْ لِبُلْطَفِكَ الْأَسْبَابُ، وَجَرَى بِقُدْرَتِكَ الْقَضَاءُ، وَمَصَّتْ عَلَى إِزَادَتِكَ الْأَشْيَاءُ. فَهِيَ بِمَشِيَّتِكَ دُونَ قَوْلِكَ مُؤْتَمِرَةٌ، وَبِإِزَادَتِكَ دُونَ نَهْيِكَ مُتَزَجِرَةٌ أَنْتَ الْمَدْعُو لِمُهْمَاتٍ، وَأَنْتَ الْمَفْرَعُ فِي الْمُلِمَاتِ، لَا يَنْدَفِعُ مِنْهَا إِلَّا مَا دَفَعْتَ، وَلَا يَنْكَشِفُ مِنْهَا إِلَّا مَا كَشَفْتَ».

در این مرحله خطاب فرد نسبت به خداوند متعال از غایب به حاضر و مخاطب تغییر می‌کند، و ما نوعی خوف و رجا و تسلیم بودن محض را شاهد هستیم.

فردی که با اضطراب رو به درگاه خداوند می‌آورد، در ابتدا، یاس را از او دور نموده و پس از

آن، امید را جرعه جرعه به او می‌نوشاند.

از طرفی در خطاب پروردگار شاهدیم که امام علیه السلام تمام سختی‌ها را در مقابل قدرت او کوچک دانسته و لطف او را سبب همه خیرات می‌داند. در این خطاب‌ها استرحام مشهود است. نکته بلاغی و زیباشناختی که در این بند از دعا شاهد هستیم به کارگیری ساختار حصر در قالب نفی و استثنا و آن هم به‌طور متوالی است. او با این اسلوب می‌خواهد امید فرد را از دیگران منقطع و فقط در قامت دوست ببیند، آنجا که می‌فرماید: «لَا يَنْدَفِعُ مِنْهَا إِلَّا مَا دَفَعْتَ، وَلَا يَنْكُشِفُ مِنْهَا إِلَّا مَا كَشَفْتَ».

در این مرحله فرد با حالت درماندگی، خدای خود را خطاب می‌کند؛ خطاب‌هایی که بیانگر عظمت خداوند متعال است: «تنها به قدرت تو و حاکمیت تو همه چیز برقرار است و بر حسب اراده تو تمام موجودات در مجاری خود جاری هستند و در صورت اراده تو، جملگی آن‌ها بدون آنکه نهی شان کرده باشی، از کار باز می‌ایستند! در مهمات زندگی و گرفتاری‌های درد آور آن فقط تو فریادرس هستی! فقط آنچه را که تو سامان دهی و موانعی را که تو بر طرف کنی، رهایی از آن‌ها حاصل می‌شود.» در واقع این عبارت در پی این است که تمام حواس و مشاعر فرد را معطوف به خداوند متعال کند. این جلب توجه و معطوف داشتن مشاعر به سوی پروردگار با به کارگیری ضمائر خطاب (ک- أنت- ت) که بار ۱۰ بسامد دارد، به اوج خود می‌رسد.

یکی از اسلوب‌هایی که حضرت زین العباد علیه السلام در این دعا از آن به شکل‌های گوناگون و به زیبایی بهره گرفته‌اند، اسلوب تکرار است. به‌طور مثال، در آغاز این مرحله مشاهده می‌شود که معنای قدرتمندی خداوند متعال را به عبارات مختلف بیان کرده‌اند: «ذَلَّتْ لِقُدْرَتِكَ، وَتَسَبَّيْتُ بِطُغْفِكَ...، وَجَرَى بِقُدْرَتِكَ...، وَمَضَتْ عَلَيَّ إِزَادَتِكَ...؛ فَهِيَ بِمَشِيَّتِكَ... مُؤْتَمِرَةٌ، وَإِزَادَتِكَ... مُنْزَجِرَةٌ» در این عبارات به‌طور پی در پی و با الفاظ گوناگون بر قدرت خالق مَثان اشاره می‌کند؛ و بدین‌سان است که در قلب و خاطر بندگان صالح خدا یأس و نومیدی از بن و ریشه خشکیده و هیچ گاه بن‌بست در زندگی آنان معنا ندارد و درخت امید در دل ایشان شکوفاست. شایسته است این مرحله را امید نام بگذاریم.

مرحله هویت‌یابی

«وَقَدْ نَزَلَ بِي يَا رَبِّ مَا قَدْ تَكَادَنِي ثِقْلُهُ، وَالْمَبَى مَا قَدْ بَهْطَنِي حَمْلُهُ. وَبِقُدْرَتِكَ أُورِدْتَهُ عَلَيَّ وَبِسُلْطَانِكَ وَجَّهْتَهُ إِلَيَّ. فَلَا مُصْدِرَ لِمَا أُورِدْتَ، وَلَا صَارِفَ لِمَا وَجَّهْتَ، وَلَا فَاتِحَ لِمَا أَغْلَقْتَ، وَلَا مُغْلِقَ لِمَا فَتَحْتَ، وَلَا مُبْسِرَ لِمَا عَسَرْتَ، وَلَا نَاصِرَ لِمَنْ خَذَلْتَ».

در این قسمت حاجات فرد مطرح می‌شود. نکته لطیف و دلنشین در این دعا این است که الفاظ آن عمومیت داشته به نحوی که در تمام مصائب، فرد می‌تواند خدا را این گونه مخاطب قرار دهد.

آغاز این بخش با خطاب پروردگار و با لفظ «یا رب» است. رب: مالک و صاحب چیزی است که به تربیت آن اهتمام دارد، به همین دلیل در «رب» نوعی محبت و علاقه به چیزی که به تربیت او می‌پردازد، وجود دارد. در این جا امام (علیه السلام) خداوند را با صفت «رب» خطاب می‌کند تا از مقام ربوبیت او کمک بگیرد و به تعبیری نگاه ربوبی پروردگارش را به سوی خود فراخواند.

نکته‌ای دقیق و قابل تأمل «تکادنی» از مصدر (کاد) و به معنای سختی است که در کنار لفظ رب قرار دارد تا فرد بداند هر سختی که بر انسان وارد می‌شود جنبه تربیتی دارد و به نوعی در پی تغییر نگاه مخاطب است نگاهی که سختی را بلایی می‌داند که بر او نازل شده است. در واقع، حضرت در این گفتمان دعایی، به دنبال تبدیل نگاه است به نحوی که فرد، بلا و سختی را نعمتی از سوی رب ببیند. همان گونه که امام حسن عسکری (علیه السلام) می‌فرماید: مَا مِنْ بَلِيَّةٍ إِلَّا وَلَلَّهِ فِيهَا نِعْمَةٌ تُحِيطُ بِهَا (ابن شعبه حرّانی، ۱۴۰۴ ق: ۴۸۹).

در این قسمت، نوع خطاب‌ها و نداها مفهوم استضعاف را منتقل می‌کند، و علاوه بر آن، فرد داعی حالت خضوع تام را درک می‌کند. این چنین خضوعی هم گویای ضعف بدنی است و هم ضعف درک حکمت خداوند متعال.

در این جا هویت آدمی آشکار می‌شود و آن ضعف مطلق اوست در مقابل سلطنت بی‌چون و چرای خالق عظیم. نکته قابل تأمل ادبی و بلاغی که در این عبارت باید بدان توجه کرد

این است که فرد برای بیان استضعاف خود مکرر از ادات لای نفی جنس استفاده می‌کند و در تمام این موارد قدرت مطلق را مختص خدا می‌داند. به عنوان مثال: «لا فاتح لما أغلقت» با این بیان، فرد وجود هر فاتح و گشاینده‌ای را برای خود منفی می‌داند و خود را در مقابل اراده مولای قادر تسلیم می‌بیند. یعنی به نوعی در پی ایجاد حالت انقطاع از ماسوی الله و کمال اتصال به معبود خویش است. در این مرحله علاوه بر امید، آرامش و اطمینان هم در فرد حاصل می‌شود.

مرحله هیجان عاطفی

«فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَافْتَحْ لِي يَا رَبِّ بَابَ الْفَرَجِ بِطَوْلِكَ، وَاكْسِرْ عَنِّي سُلْطَانَ الْهَمِّ بِخَوْلِكَ، وَأُنَلِّنِي حُسْنَ النَّظَرِ فِيمَا شَكُوتُ، وَأَذِقْنِي خِلَاوَةَ الصُّعِّ فِيمَا سَأَلْتُ، وَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَفَرَجاً هَنِئِئاً، وَاجْعَلْ لِي مِنْ عِنْدِكَ مَخْرَجاً وَحِياً. وَلَا تَشْغَلْنِي بِالْاهْتِمَامِ عَنْ تَعَاهُدِ فُرُوضِكَ، وَاسْتِعْمَالِ سُنَّتِكَ».

بعد از زنده شدن روح امید در فرد و رسیدن به آرامش، حال در شور و شوق خود از خدا حاجت می‌طلبد.

فرد در اشتیاق خود به محبوب‌ترین افراد در درگاه ربوبیت که پیامبر و آل او هستند، درود و سلام نثار می‌کند. این آرامش منتهی به آل الله می‌گردد و از همین جاست که شوش‌گر عاطفی (فرد متأثر از دعا) طلب را آغاز می‌نماید.

آنچه در این نوع درخواست‌ها قابل توجه است عبارتند از: «فتح باب، فرج و شکستن سلطه هم و غم، طلب حسن نظر جناب حق، چشیدن شیرینی در بخشش رحمت و گشایشی گوارا و بیرون رفتن سریع از گرفتاری‌ها»

نوع کلمات در این عبارات و محتوای انتقالی آن قابل توجه است. واژگان وسیله انتقال معنا و مفهوم، و اسباب فهم مراد گوینده هستند. واژگان و الفاظ دال بر معنا و مفهوم هستند و این «دالت بر دو گونه است: ۱. دالت بر معانی به نحو ذهنی ۲. دالت بر تصاویر، دالت بر فضا و جو اثر» (سید قطب، ۱۴۲۴ ق: ۴۰۲) در این مرحله الفاظ لطیف و

رقیق می‌گردد و جو و فضای دعا را تلطیف می‌کند. واژه‌ها علاوه بر انتقال معنا، تصویری ملایم را هم منتقل می‌کنند. الفاظی چون «حسن نظر؛ حلاوت؛ رحمت، فرج و...» که با داشتن معانی لطیف، دارای حروف همسی چون (ح، س، ت) هستند و در کنار رخاوت و سستی حروفی چون (ح، س، ظ، ف) توانسته‌اند به خوبی ترسیم‌کننده فضای هیجان عاطفی و به دنبال آن بیان درخواست‌ها از پروردگار باشند.

واژه «الصُّنْع» یکی از الفاظی است که با دقت تمام در کلام امام (علیه السلام) به کار گرفته شده است، فرق عمل با صنع این است که عمل به هر کاری اطلاق می‌شود، ولی صنع به آن کاری گفته می‌شود که با مهارت و دقت خاصی انجام شود.

نکته دیگر، چینش الفاظ و سیر خطی آن‌هاست. «برای ایراد یا دریافت یک پیام زبانی، باید از یک مبدأ شروع کرده ترتیب و توالی واژه‌ها را با دقت رعایت کنیم. زیرا اگر حلقه‌های زنجیر سخن به طور مرتب و منظم به یکدیگر نپیوندند، پیام درهم می‌ریزد و نامفهوم می‌شود» (باقری، ۱۳۸۶: ۵۹) در این قسمت از در دعای هفتم، ما به وضوح توالی کلمات را مشاهده می‌کنیم که چگونه پیش می‌رود، ابتدا فرج و شکسته شدن سلطه هم را می‌طلبید، سپس گام را فراتر می‌نهد و حسن نظر در شکایتش را طلب می‌کند و پس از آن، درخواست تذوق و شیرینی افعال خدا را مسئلت می‌نماید.

حتی درخواست‌ها هم قابل دقت است: از خدای متعال عافیتی را درخواست می‌فرماید که در پناه آن بتواند به عهد بندگی پایبند باشد و رسوم عبودیت را چنان که باید انجام دهد، اگر فرد با متن دعا پیش برود و خود را همراه عبارت کند از حالت سستی و خستگی ناشی از یأس و ضعف به مرحله هم عهدی با معبود خویش نائل می‌آید.

دعای حقیقی تنها خدا را یاد کردن و اظهار نیازها به درگاه او نیست بلکه همراه با آن، دعاکننده باید بکوشد ادب محضر خداوند را نیز به جای آورد و این جز با وفاداری به شریعت او و عمل به خواسته‌های او به دست نمی‌آید لذا در پایین این بخش فرد در پی هم عهدی است و چنین اظهار می‌دارد «وَلَا تَسْغَلْنِي بِالْأَهْتِمَامِ عَنْ تَعَاهِدِ فُرُوضِكَ، وَأَسْتَعْمَالَ سُنَّتِكَ».

در پایان، از خداوند متعال می‌خواهد او را در فهم اسرار و دقایق عبادات و دوری از دنیا طلبی‌های مذموم و رذایل اخلاقی موفق بدارد و نیز به همراه آن می‌خواهد که شوق و همتی قوی برای انجام عبادات و اوامر حکیمانه‌اش عطا کند به گونه‌ای که گزند ناملایمات روزگار به هیچ روی نتواند به آن آسیب و لطمه وارد کند.

این مرحله را می‌توان «شوق» نام نهاد.

مرحله ارزیابی

«فَقَدْ ضِفْتُ لِمَا نَزَلَ بِي يَا رَبِّ دَرْعًا، وَأُمْتَلَأْتُ بِحَمَلٍ مَا حَدَّثَ عَلَيَّ هَمًّا، وَأَنْتَ الْقَادِرُ عَلَى كَشْفِ مَا مُنِيتُ بِهِ، وَدَفْعِ مَا وَقَعْتُ فِيهِ، فَأَفْعَلْ بِي ذَلِكَ وَإِنْ لَمْ أَسْتَوْجِبْهُ مِنْكَ، يَا ذَا الْعَرْشِ الْعَظِيمِ».

در مرحله پایانی به سیری که از ابتدای یأس خویش تا مرحله امید داشته اشاره می‌کند: بلا بر من نازل شد؛ و من از هم و غم لبریز شدم؛ خدا بر حل مشکل من قادر است، سپس از خداوند درخواست حل مشکلاتش را می‌نماید و با وجود این، ادب حضور را به نحو شایسته رعایت نموده و با این بیان (وإن لم أستوجبك منك) خود را سزاوار چنین لطفی از سوی معبود نمی‌داند. در پایان قدرت خداوند را با ذکر (یا ذا العرش العظيم) خاتمه بخش دعای خویش می‌گرداند.

«دور نمای عاطفی جریانی است که ما را با دیدگاه موضع گیرانه یکی از عوامل گفتمان روبه‌رو می‌کند و به آن جهت می‌دهد» (شعیری، ۱۳۸۵: ۱۶۳) در این دعا هم برای مخاطب چشم‌اندازی به تصویر کشیده شده است و آن دورنما در تمام مراحل زندگی مقابل فرد قرار دارد؛ انسان در اوج ضعف است و خداوند در اوج رحمت، و رحمت الهی تنها راه نجات انسان از ترس‌ها، ضعف و زبونی‌هاست.

۳. نتیجه گیری

با توجه به آنچه گفته شد می توان این گونه نتیجه گرفت که عاطفه مهم ترین و قوی ترین عنصر اثرگذار نسبت به دیگر عناصر در یک متن ادبی است. در متون دینی علاوه بر این که سرشار از مفاهیم ناب توحیدی است به مقوله انگیزش عاطفه و تأثیر عاطفی توجه ویژه ای شده است. دعای هفتم صحیفه سجادیه نیز که امام زین العابدین (علیه السلام) در سختی ها و مشکلات به خواندن آن سفارش کرده اند، به مقوله اثرگذاری عاطفی به طور دقیق توجه داشته است. همچنین طرّح‌واره فرایند گفتمان عاطفی در دعای هفتم را می توان در پنج مرحله ترسیم کرد: ۱. تحریک عاطفه؛ با دور ساختن از یأس و رخوت از فرد تجلّی می یابد. ۲. آمادگی؛ با یاد کردن از عظمت ایزد مئان در کلام امام و ایجاد امید بروز می یابد. ۳. هویت؛ همان آرامشی است که بر بنده متجلّی می شود. ۴. هیجان؛ در این جا مخاطب نومید بعد از گذر از امید و آرامش به شوق می آید. ۵. ارزیابی؛ عظمت خداوند و نیاز بنده به معبود نتیجه سیر گفتمانی عاطفه در دعای هفتم صحیفه سجّادیه است.

منابع و مآخذ

- آقا بزرگ طهرانی. (۱۴۰۳ق). *النریعة*. بیروت: دارالأضواء.
- ابن بابویه، أبو جعفر محمد بن علی. (۱۴۱۷ق). *الأمالی*. قم: تحقیق و نشر: مؤسسه البعثة.
- ابن شعبه حرانی، أبو محمد الحسن بن علی. (۱۴۰۴ق). *تحف العقول عن آل الرسول*. تحقیق: علی اکبر الغفاری. قم: مؤسسه الشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين.
- باقری، مهري. (۱۳۸۶). *مقدمات زبان شناسی*. تهران: انتشارات سمت.
- بستانی، محمود. (۱۴۰۹ق). *الإسلام والفن*. مشهد: مجمع البحوث الإسلامية.
- ————. (۱۴۱۴ق). *القواعد البلاغیة فی ضوء المنهج الإسلامی*. مشهد: مجمع البحوث الإسلامية.
- ثروتیان، بهروز. (۱۳۵۲). *فرهنگ اصطلاحات و تعریفات نفایس الفنون*. تبریز: مؤسسه تاریخ و فرهنگ تمدن.
- جعفری، زهرا. (۱۳۸۹). «مجموعه روش های تحقیق در علوم اجتماعی؛ روش تحلیل گفتمان». *کتاب ماه علوم اجتماعی*. شماره ۲۵. صص: ۶۴-۷۵.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۱۴ق). *وسائل الشیعة*. تحقیق و نشر: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث. قم.
- حویزی، عبدعلی بن جمعه. (۱۳۸۹). *نور الثقلین*. قم: دفتر نشر نوید اسلام.
- خمینی، روح الله. (۱۳۶۱). *صحیفه نور*. تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- رضایی، رضا. (۱۴۰۰). «اکاوی مؤلفه های بُعد عاطفی گفتمان در داستان کوتاه «مبعاد» اثر گلی ترقی: رویکردی نشانه - معناشناختی به تحلیل گفتمان ادبی». *جستارهای زبانی*. دوره ۱۲. ش ۶۶. صص: ۶۲۹-۶۶۰.
- روشنفکر، کبری؛ محمدی، دانش. (۱۳۸۸). «تحلیل گفتمان ادبی خطبه های حضرت زینب (علیها السلام)». *سفینه*. سال ۶. ش ۲۲. صص: ۱۲۷-۱۴۹.
- سید ابن طاووس، رضی الدین علی بن موسی. (بی تا). *فلاح السائل و نجاح المسائل*. قم: مکتب الاعلام الإسلامی.
- سید قطب. (۱۴۲۴ق). *النقد الأدبی أصوله و مناهجه*. مصر: دار الشروق.
- الشایب، أحمد. (۱۹۹۴م). *أصول النقد الأدبی*. مصر: مکتبة النهضة المصرية.
- شبر، جواد. (۱۹۸۸م). *أدب الطف أو شعراء الحسین*. بیروت: دارالمترقی.
- شعیری، حمیدرضا. (۱۳۸۵). *تجزیه و تحلیل نشانه - معناشناختی گفتمان*. تهران: انتشارات سمت.
- شفیع کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۳). *ادوار شعر فارسی*. تهران: نشر سخن.
- ————. (۱۳۷۶). *موسیقی شعر*. تهران: نشر آگاه.
- شکیباپور، عنایت الله. (۱۳۶۳). *دایرة المعارف روان شناسی*. تهران: انتشارات فروغی.
- صلح جو، علی. (۱۳۷۷). *گفتمان و ترجمه*. تهران: نشر مرکز.
- طباطبایی، سید محمد حسین. (بی تا). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: نشر: مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين.
- طبرسی، الشیخ أبو الفضل بن الحسن. (۱۴۱۵ق). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تحقیق و تعلیق: لجنة من العلماء والمحققين. تقدیم: السيد محسن الأمين العاملي. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.

- عثمان، عبدالکریم. (۱۳۶۹). *روان‌شناسی از دیدگاه غزالی و دانشمندان اسلامی*. مترجم: سید محمد باقر حجتی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- قرشی بنابی، علی اکبر. (۱۳۶۶). *تفسیر احسن الحدیث*. تهران: واحد تحقیقات اسلامی بنیاد بعثت.
- کفعمی، الشیخ تقی الدین ابراهیم بن علی. (۱۴۰۳ق). *المصباح*. بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- کلینی، أبو جعفر محمد بن یعقوب. (۱۳۶۳). *الکافی*. تحقیق: علی أكبر الغفاری. طهران: دار الکتب الإسلامية.
- محمدی، فاطمه. (۱۳۹۴). «بررسی نظام عاطفی گفتمان در شعر قاصدک اخوان ثالث با رویکرد نشانه - معناشناسی». ارائه شده در سومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های کاربردی در مطالعات زبان. تهران: دانشگاه جامع علمی کاربردی.
- محمودی، مریم؛ خادم، اعظم. (۱۳۹۶). «کاربست گفتمان عاطفی در متون تعلیمی با تکیه بر باب پنجم گلستان سعدی». *پژوهشنامه ادبیات تعلیمی*. دوره ۹. ش ۳۳. صص: ۹۱-۱۲۰.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۴ق). *مرآة العقول فی شرح أخبار الرسول*. تقدیم: السید مرتضی العسکری. تصحیح: السید هاشم الرسولی. طهران: دارالکتب الإسلامية.
- مدنی، السید علی خان. (۱۴۱۵ق). *ریاض السالکین*. تحقیق: السید محسن الحسینی الأمینی. قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- نورسیده، علی اکبر؛ یوربایرام، رقیه. (۱۴۰۰). «تحلیل نشانه - معناشناسانه طرح‌واره عاطفی در گفتمان دو شعر: «در امواج سند» و «أبد الصَّبَّار»». *متن پژوهی ادبی*. دوره ۲۵. ش ۸۹. صص: ۱۶۷-۱۸۹.

منابع اینترنتی

- نقش معرفت‌افزایی صحیفه سجادیه، قابل دسترسی در پایگاه اینترنتی: <https://hawzah.net>. تاریخ مشاهده: ۱۴۰۱/۱۲/۱۰.